



۲۰۲۴/۰۳/۱۷

نویسنده: داکتر عبدالکریم وزیری

تاریخچه فابریکه قند بغلان

۱. موقعیت جغرافیایی:

فابریکه قند بغلان در شمال شرق افغانستان در ۲۵ کیلو متری شمال شهر پلخمری، مرکز ولایت بغلان موقعیت داشته، یگانه فابریکه تولید شکر در افغانستان است، که ماده خام آنرا لبلبو تشکیل میدهد. این فابریکه تا سقوط دولت مرحوم محمد داود خان در ثور سال ۱۳۵۷ هـ ش در کنار فابریکات سمنت غوری، نساجی و لبنیات، بند برق پلخمری، معدن زغال سنگ کرکر و بعضی از دستگاه های کوچک دیگر، از جمله واحد های مهم صنعتی این ولایت به شمار می رفت.



شکل شماره ۱: موقعیت فابریکه با علامه دایره کوچک سرخ نشانی شده است

۲. انگیزه سرمایه گذاری و تمویل اعمار فابریکه:

برای اینکه، یک قسمت شکر مورد نیاز افغانستان در کشور تولید گردیده، برای باشندگان محل کار ایجاد شود و سرانجام از انتقال اسعار خارجی، به خصوص دالر امریکائی، به خارج از کشور کاسته شود، یک عده از تجار و سرمایه داران ملی افغانی به شمول یک تعداد اعضای خانواده سلطنتی، که تعداد آنها به ۹۱ نفر می رسید و اکثر شان سهامدار بانک ملی بودند، تصمیم گرفتند، برای تأسیس و اعمار یک فابریکه تولید شکر در افغانستان، بدون مشارکت سرمایه و کمک مالی خارجی، سرمایه گذاری نمایند. برای تحقق این پروژه، کشور آلمان، که در آن زمان در تخریب و تولید شکر در جهان پیشتاز بود، انتخاب شد و طرح و نظارت اعمار ساختمان، تهیه و نصب ماشین آلات و بقیه تجهیزات لازمه فابریکه، آموزش پرسونل فنی و بلاخره طریق کشت و ترویج لبلبو به این کشور محول گردید.

۳. مقدار شکر وارد شده قبل از اعمار فابریکه:

قرار آمار انحصارات دولتی وقت، مقدار شکر وارد شده در سال ۱۳۱۲ هـ ش (۱۹۳۳ میلادی) به ۱۱۸۰۶,۰۰ تَن و در سال ۱۳۱۶ هـ ش (۱۹۳۷ میلادی) به ۱۹۷۴۹,۰۰ تَن افزایش یافته بود، که ارزش آن به بیش از ۱۱ میلیون افغانی می رسید.

اگر فرض شود، که هر شخص در آن زمان روزانه به طور اوسط ۳۰ گرام شکر (در حدود ۵ قاشق چای خوری) به مصرف می رسانید، مصرف سالانه وی در حدود ۱۱ کیلو گرام بوده است. بر بنیاد این رقم مقدار شکر وارد شده در سال ۱۳۱۲ هـ ش (۱۹۳۳ میلادی) تنها نیازمندی ۱,۱ میلیون و در سال ۱۳۱۶ هـ ش (۱۹۳۷ میلادی) نیازمندی ۱,۸ میلیون نفر را مرفوع میکرد. طبق آمار موسسه جهانی زراعت و مواد خوراکه مؤسسه ملل متحد (FAO)، که بعد از جنگ عمومی دوم تأسیس گردید، رقم نفوس افغانستان در دهه سوم و چهارم قرن بیست (۱۹۳۰ الی ۱۹۵۰ میلادی) در حدود ۸ میلیون نفر تخمین می شد. بر اساس این رقم در حدود ۱۴ الی ۲۳٪ باشندگان افغانستان در آن زمان به شکر وارداتی دسترسی داشتند، در حالیکه ۷۴ الی ۷۷٪ مردم از مصرف شکر محروم بوده و از مواد دیگر شیرین کننده مانند گُر استفاده میکردند.

طوریکه در جدول ۱ مشاهده می شود، بلندترین مقدار شکر در فابریکه قند بغلان در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷) به مقدار ۱۲۷۷۷/۲۲ تَن تولید گردیده است، که طبق محاسبه فوق، این مقدار صرف نیازمندی ۱۶۱ نفر را مرفوع میکرد.

۴. مطالعات وسیع و امکان سنجی برای جست و جوی محل مناسب:

قبل از اینکه منطقه بغلان برای محل اعمار فابریکه انتخاب شود، تحقیقات و مطالعات وسیع و گسترده از جهات مختلف توسط کارشناسان آلمانی در سراسر افغانستان صورت گرفت، تا دیده شود، که کدام منطقه برای اعمار یک فابریکه شکر مناسب است. در نتیجه این مطالعات تثبیت گردید، که منطقه بغلان با داشتن همه ضروریات یا فاکتور های مهم تولیدی، یعنی زمین کافی و مناسب زراعتی، آب وافر (دریای قندوز)، زغال سنگ (معدن زغال سنگ کرکر) و سنگ آهک (سنگ چونه) از همه جا ها بهتر و مناسب است.

۵. اعمار فابریکه:

بعد از ختم کارهای مقدماتی، طرح و نقشه کشی فابریکه توسط کارشناسان و انجینران آلمانی، کار ساختمانی آن در اواسط سال ۱۳۱۷ هـ ش (۱۹۳۸ میلادی)، یک سال قبل از شروع جنگ عمومی دوم، توسط معماران، نجاران و عمله محلی آغاز گردید و در سال ۱۳۱۹ هـ ش (۱۹۴۰ میلادی) ختم و به تولید آغاز نمود. طبق اسناد فابریکه، در پیشبرد کار های ساختمان فابریکه روزانه بطور اوسط در حدود هزار نفر عمله، ۹۰ نفر معمار و ۶۰ نفر نجار مشغول کار بودند.

باید متذکر شد که اعمار و فعال ساختن فابریکه در طی کمتر از دو سال در شرایط نهایت بحرانی و پر از تنشج یک شهکار بزرگ و حیرت انگیز بوده است، زیرا از یک جهت جانب فروشنده فابریکه، یعنی کشور آلمان، تازه با حمله خویش به کشور پولند به جنگ آغاز نموده بود و از جهت دیگر در چنین شرایط نه تنها باید ماشین آلات و تجهیزات به محل فابریکه انتقال داده می شد، بلکه نظارت کار های ساختمانی، نصب تجهیزات و ماشین آلات، آموزش پرسونل فنی، بذر و ترویج لبلبو و منجمت را هم به عهده می گرفت (شکل شماره ۲). تخم لبلبوی مورد نیاز فابریکه از کمپنی آلمانی به نام شرکت سهامی KWS AG تهیه و خریداری می شد.

بعد از اینکه در ماه می سال ۱۹۴۵ میلادی دولت نازی آلمان شکست خورد و جنگ عمومی دوم خاتمه یافت، انجنیران و مشاوران آلمانی مجبور به ترک افغانستان شده، نظارت کار های تخریکی و تولید شکر به عهده انجنیران انگلیسی و بعداً چکی واگذار گردید.

۶. آغاز تولید:

طوریکه انتظار می رفت، مسئولین فابریکه در آغاز کار با مشکلات زیادی، به خصوص در قسمت کشت و ترویج لبلبو مواجه بودند. زیرا لبلبو در افغانستان یک نبات به کلی بیگانه و جدید بود و دهاقین قبلاً به آن آشنائی نداشتند. قبل از شروع کشت لبلبو، در منطقه صرف گندم، جو، پنبه، خربوزه، زغر و شرشم بذر می شد. حتی مانند امروز کشت سبزیجات هم زیاد رایج نبود.

به همین جهت دولت مجبور شد برای تأمین و تهیه مواد خام فابریکه قانون وضع نماید که بر اساس آن کشت لبلبو به شکل اجباری بالای دهاقین تحمیل گردید. طبق این قانون هر زمیندار یا دهقان تا فاصله ۵۰ کیلومتر در اطراف فابریکه مکلف بود ۱/۵ قسمت یا ۲۰٪ زمین زراعتی خویش را برای زرع لبلبو تخصیص داده بالای آن لبلبو کشت نماید. هر دهقانی که سهمیه لبلبوی خویش را کشت نمی کرد و مقدار معین لبلبو را به فابریکه تسلیم نمی داد، باید جریمه می پرداخت. قرار گفته منسوبین سابقه دار فابریکه در اوایل فعالیت های فابریکه بعضی از دهاقینی که مکلفیت خود را به جا آورده نمیتوانستند و لبلبو کشت نمیکردند، از ترس اینکه جریمه نشوند، منطقه را به قصد مناطق خارج از ساحه بذر لبلبو ترک میگفتند.



شکل شماره ۲: ساختمان فابریکه بعد از باز سازی در سال ۲۰۰۶

البته هم قابل تذکر است که مقامات فابریکه برای تشویق دهاقین مساعدتهای مختلف به راه انداخته بودند، که از آنجمله میتوان توزیع رایگان تخم لبلبو و کود کیمیائی را می توان نام برد. علاوه بر آن سالانه دهاقین در وسط سال قبل از رسیدن لبلبوی شان پول پیشکی به شکل قرضه، مسمی به " تقوی " دریافت میکردند، که البته بعد از تسلیمی لبلبو پول مذکور از پول لبلبوی شان وضع می شد.

در کنار مساعدت های فوق از جانب مقامات فابریکه، دولت هم سعی می ورزید تا با استفاده از افزار های مختلف مانند سبسائیدی، اعانه نقدی به زارعان و افزایش محصول گمرکی بالای شکر وارداتی، تولیدات شکر محلی را در مقابل واردات خارجی حفظ نماید.

طوریکه جدول شماره ۱ نشان می دهد این مشکلات تا زمانی ادامه داشت که دهاقین آهسته آهسته به کشت لبلبو آشنائی پیدا نموده، دلچسپی گرفتند و طرز کشت لبلبو را آموختند.

سال ببری	مقدار زمین هکتار	مجموع حاصلات تُن در سال	حاصل لبلبو تُن فی هکتار	مدت کمپاین تعداد روزها	فیصدی شکر ناخالص	فیصدی شکر خالص	مجموع حاصل شکر تُن
۱۳۱۹ (۱۹۴۰)	۱۱۶۰,۶	۸۲۲۰,۰۰	۷,۰۹	۲۳,۵۰	۱۶,۹۴	۱۳,۲۸	۱۰۹۱,۶۲
۱۳۲۹ (۱۹۵۰)	۳۵۶۷,۶	۳۳۷۰۹,۷	۹,۴۵	۴۸,۰۰	۱۶,۵۱	۱۳,۲۸	۴۴۷۶,۶۵
۱۳۴۰ (۱۹۶۰)	۳۸۳۷,۸	۳۵۱۴۵,۰۰	۹,۱۶	۵۶,۰۰	۱۵,۸۱	۱۲,۸۰	۴۶۶۷,۲۶
۱۳۴۹ (۱۹۷۰)	۴۸۰۴,۸	۶۷۷۴۴,۴	۱۴,۱	۱۰۱,۰۰	۱۶,۷۹	۱۲,۷۱	۸۹۹۶,۴۶
۱۳۵۶ (۱۹۷۷)	۴۱۳۱,۶	۹۶۲۱۴,۰۰	۲۳,۲۹	۱۴۲,۰۰	۱۴,۹۷	۱۱,۶۱	۱۲۷۷۷,۲۲
۱۳۵۷ (۱۹۷۸)	۳۷۷۸,۸	۷۲۹۸۸,۰۰	۱۹,۳۲	۱۰۴,۰۰	۱۵,۵۹	۱۲,۴۶	۹۶۹۲,۸۱
۱۳۵۸ (۱۹۷۹)	۳۱۷۴,۴	۶۸۱۳۴,۰۰	۲۱,۴۶	۹۵,۰۰	۱۵,۹۲	۱۲,۷۵	۹۰۴۸,۲۰
۱۳۵۹ (۱۹۸۰)	۲۶۸۲,۶	۲۲۰۵,۰۰	۰,۸۲	۳۳,۰۰	۱۵,۵۲	۱۲,۴۰	۲۹۹۲,۸۲
۱۳۷۱ (۱۹۹۱)	۶۸۶,۶	۳۱۳,۱	۰,۴۶	۲,۰۰	۱۳,۹۲	۵,۵۳	۴۱,۵۸

جدول شماره ۱: ارقام تولید لبلبو و تولید شکر در فابریکه قند بغلان به طور نمونه از سال ۱۹۴۰ الی ۱۹۹۱ (منبع آرشیف فابریکه).

۷. طرح و پلانگذاری اعمار فابریکه دومی به ظرفیت بیشتر از ۴۰۰٪:

طوریکه در جدول شماره ۱ مشاهده می شود، مقدار حاصلات لبلبو بعد از گذشت ۳۷ سال، از ۸۲۲۰ تُن در سال ۱۳۱۹ هـ ش (۱۹۴۰ میلادی) به ۹۶۲۱۴ تُن در سال ۱۳۵۶ هـ ش (۱۹۷۷ میلادی) و بالترتیب مقدار شکر از ۱۰۹۱,۶۲ به ۱۲۷۷۷,۲۲ تُن در حدود یازده چند افزایش یافت.

این امر باعث شد که دولت مرحوم محمد داود خان تصمیم بگیرد تا در جوار فابریکه اولی یک فابریکه دومی به ظرفیت بیشتر از ۴۰۰٪ اعمار نماید. پول اعمار فابریکه به مبلغ ۸ میلیون دالر امریکائی از بانک کویتی به نام (Kuwait Fund for Arab Economic Development) به طور قرضه اخذ شده بود. اعمار ساختمان و تجهیزات آن به یک کمپنی فرانسوی محول گردید بود.

طبق اسناد موجوده، کار اعمار فابریکه دومی دو سال قبل از سقوط دولت مرحوم محمد داود خان در سال ۱۳۵۵ هـ ش (۱۹۷۶ میلادی) آغاز شد که متأسفانه بر اثر آمدن دولت کمونیستی و تهاجم قشون سرخ اتحاد شوروی به افغانستان و شروع جنگ، کار ساختمان متوقف گردید که بقایای تهداب آن هنوز هم در جوار فابریکه اولی به چشم می خورد.

ارقام بالا در جدول شماره ۱ همچنان نشان می دهند، که بعد از سقوط دولت مرحوم محمد داود خان در سال در ثور سال ۱۳۵۷ هـ ش (۱۹۷۸ میلادی) مقدار کشت لبلبو به تدریج کاهش یافت تا اینکه فابریکه در سال ۱۳۷۱ هـ ش (۱۹۹۲ میلادی) به نسبت کمی و فقدان مقدار کافی لبلبو فعالیت خویش را متوقف ساخت. علت عمده آن پیوستن دهاقین و تعداد زیادی از کارمندان فنی به صف مجاهدین و یا مهاجرت آنها از کشور بوده است.

۸. معلومات مختصر راجع به شکر و لبلبو:

شکر یا بوره (saccharose) از نگاه کیمیای یک کاربوهایدریت (Carbohydrate) بوده، از ترکیب دو نوع شکر گلوکوز و فروکتوز (Glucose + Fructose)، یعنی یک دای سکراید (Disaccharide) در نبات تشکیل می شود. بعد از

استحصال از نیشکر (Sugar can) و یا از لبلبوی قندی (Sugar beet) و پروسه تولید به یک ماده سفید با مزه شیرین و بصورت کریستال، با احجام بسیار کوچک و یا درشت مورد استفاده قرار می‌گردد.

قبل از کشف (accharoseS) در یک نوع لبلبوی قندی بومی، ۹۸٪ ماده خام شکر را نیشکر تشکیل میداد، که در مستعمرات کشور های اروپائی مانند هالند، بلجیم، فرانسه، بریتانیا، پرتگال و اسپانیه تولید می شد و به اروپا وارد می گردید. شکر در آن زمان یک محصول بسیار پربها و کمیاب بود، که در اوایل حتی در مقابل طلا معامله می شد. مصرف آن تنها به شاهان و یک تعداد محدود افراد متمول منحصر بود.

بعد از اینکه در سال ۱۷۴۷ میلادی یک کیمیدان آلمانی به نام Andreas Sigismund Marggraf در لایپتات در یکی از جنسهای لبلبوی بومی ماده قندی سکرروز (Saccharose) را کشف نمود. و بعد از وی یک دانشمند دیگر آلمانی به نام Franz Carl Achard کار های وی را ادامه داده توسط نسل گیری لبلبوی قندی امروزی (Sugar beet) را در سال ۱۸۰۱ بوجود آورد. تولید شکر از لبلبوی قندی آغاز شده، مونوپول شکر نیشکر شکست. اولین فابریکات تولید شکر بر اساس ماده خام لبلبو در زمان حکمرمائی ناپلیون بوناپارد بین سالهای ۱۸۰۱ و ۱۸۱۳ در اروپا تأسیس شد و به تولید شروع نمود.

شکر در حیات بشر نقش برارنده بازی نموده، یکی از منابع مهم انرژی برای فعالیت بدن انسان می باشد. در کشور های رو به انکشاف، مانند افغانستان، به خصوص در بین مردم بی بضاعت، که قوه خرید شان ضعیف است و بیشتر اوقات خوراک روزانه شان به اصطلاح عامیانه از "نان و چای" تشکیل می شود، مصرف شکر برای تأمین انرژی از ضروریات حتمی و حیاتی به شمار می رود.